



تصویرکن: ثنا محمدپور
دبیر اجرایی: محمدحسن نصیری

ماجراهای دو الف بیچه

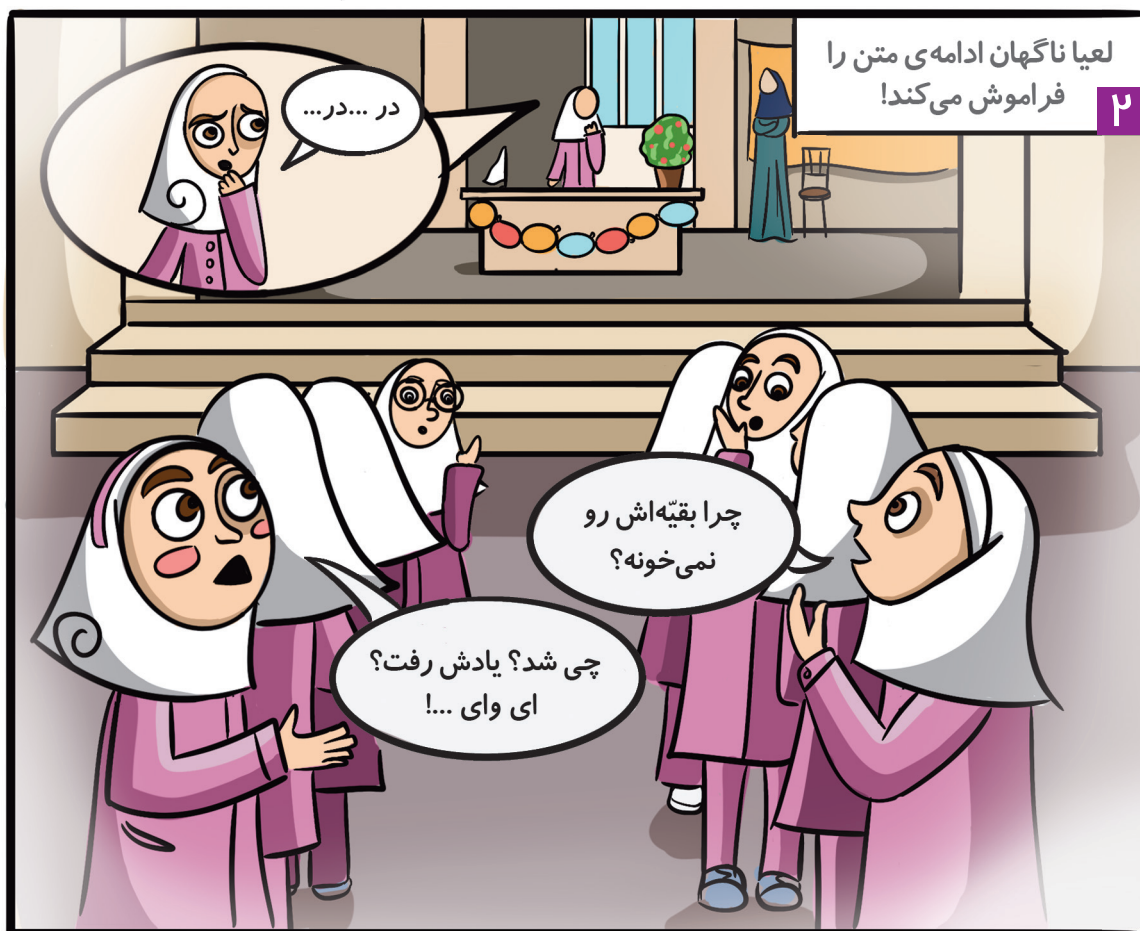
فاطمه یگانه دوست
نرگس نیرومند

قسمت دوم

پارسال لعلیا در جشن اول مهر مدرسه، در حال از بر خواندن یک شعر بود.



سلام بچه‌ها!
یادتان هست در قسمت قبل ایلیا و لعلیا راهی مدرسه شدند؟ لعلیا از خواندن متن انشایش جلوی جمع خیلی وحشت داشت. ولی خانم معلم او را اول از همه صدا کرد.
حالا ببینیم در ادامه، این دو الف بیچه قرار است چه ماجراهایی را پشت سر بگذارند.



لعلیا ناگهان ادامه‌ی متن را فراموش می‌کند!

زمان حال:

۳

لعیا نمی‌خوای متن خودتو
برامون بخونی؟

۴

ببخشید حالم
خوب نیست.

۵

لعیا

۶

اگه دوباره اشتباه بخونم
و بچه‌ها مسخره‌ام کنن
چی؟

ولی من برای متنم خیلی
زحمت کشیدم... خیلی
دوستش دارم.

۷

مادر، تو خود خورشیدی،
درختی، دریایی

برای من همه‌ی دنیایی!
در سایه سار تو....

لعیا شروع کرد برای خودش
از روی متن خواند. خانم
معلم که دنبالش آماده بود،
صدای او را شنید.

چقدر خوب نوشته!
چقدر خوب می‌خونه!

۹

در همان زمان در مدرسه‌ی ایلیا

دریپینگگ

زنگ تفریح؛ وقت دارید
هم‌گروهی‌های جشنواره‌ی علمی
جابرین حیانتون رو انتخاب کنید.
زنگ بعدی
می‌خوام فهرست رو
بنویسم.

